



فرشته ملاکریمی خورانی
(کارشناس ارشد پژوهشی گروه
بانکداری اسلامی پژوهشکده پولی و
بانکی و کارشناس ارشد فقه و حقوق)

در مورد تاریخچه شکل‌گیری شورای فقهی بانک مرکزی توضیح دهید؟

این شورا بیش از یک سال است شروع به فعالیت کرده است. شروع این فعالیت به دنبال راه‌اندازی کمیته فقهی بازار سرمایه بوده که حدوداً چهار سال پیش راه‌اندازی شد و تاکنون عملکرد خوب و مثبتی داشته است.

شورای فقهی با چه هدفی تشکیل شده است؟ عملکرد آن به چه نحوی است؟

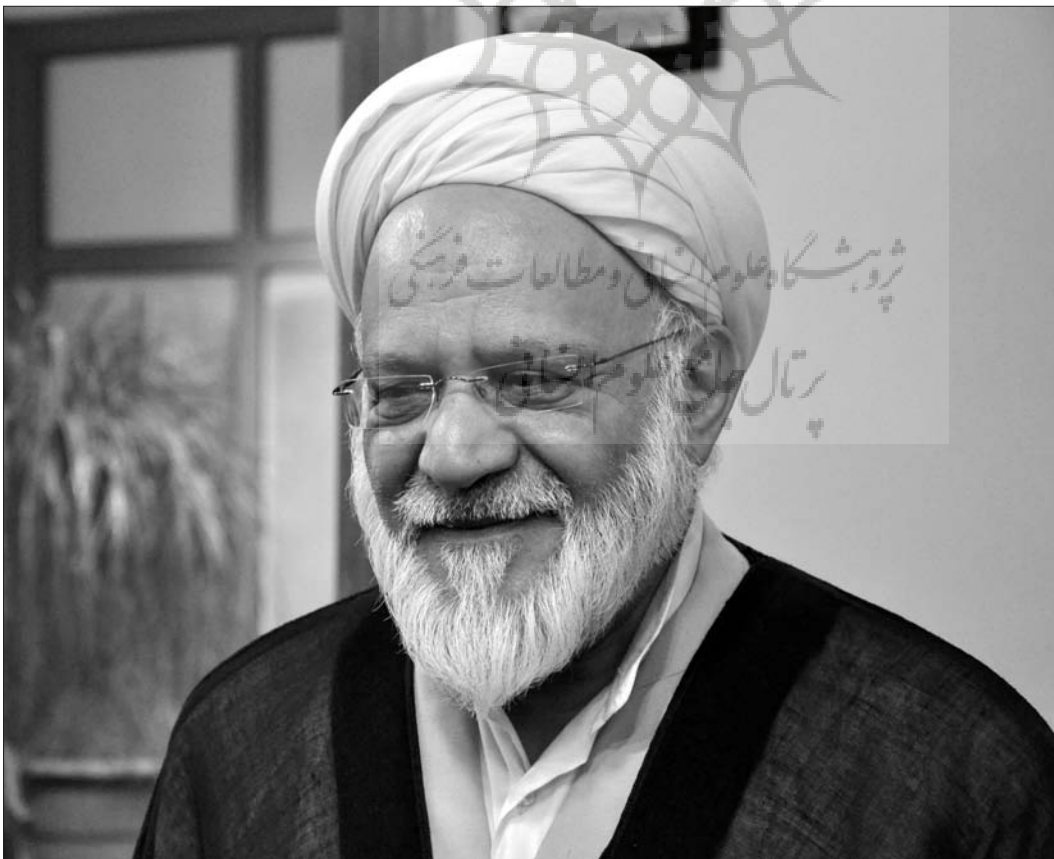
علاوه بر اینکه قوانین نظام بانکی باید مورد تأیید شرع قرار بگیرد (شورای نگهبان در سال ۱۳۶۲ این قانون را تأیید کرده است) عملکرد نظام بانکی هم باید به صورت مرتب

مورد ارزیابی و نظارت قرار گیرد و میزان مطابقت این عملکرد با موازین شرعی سنجیده شود. حال در ارزیابی‌ها، هر جا مشکلی برای عدم مطابقت با شرع وجود داشت که نیازمند اصلاحات بود، شورای فقهی اصلاحات لازم را در آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و رویه‌های مربوطه اعمال می‌کند تا مطابقت آن با شرع کامل شود. افزون بر این مسأله ما در نظام بانکی دنیا و همین‌طور در عرصه بانکداری اسلامی در سایر کشورها شاهد تحولات نو به نو هستیم، روش‌های تازه و ابزارهای جدید و متنوع موجب افزایش قدرت جذب منابع در نظام بانکی و از جمله بانکداری اسلامی شده است. اگر ما در نظام بانکی کشور، به صورت روزبه‌روز این تحولات را

© پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در راستای تحقق بانکداری بدون ربا، اقدامات زیادی در حوزه قانون‌گذاری، اجرا و عملکرد صورت گرفت. یکی از اقدامات مهمی که اخیراً توسط مسئولان بانک مرکزی در حوزه مقررات صورت گرفته است، تشکیل شورای فقهی است. این شورا به بررسی شرعی و فقهی موضوعات بانکی می‌پردازد و نتیجه بررسی‌های خود را به مسئولان و مدیران بانکی ابلاغ می‌کند. برای آشنایی با عملکرد این شورا و اهداف شکل‌گیری آن، گفتگویی با یکی از اعضای این شورا حجت‌الاسلام والمسلمین، غلامرضا مصباحی مقدم انجام داده‌ایم که از نظراتان می‌گذرد:

آشنایی با عملکرد شورای فقهی بانک مرکزی

مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین مصباحی مقدم



به وجود نیاوریم، عقب خواهیم بود؛ کمالاتی که تا حدودی عقب مانده‌ایم. برای جبران این عقب‌ماندگی، باید یک شورای فقهی وجود داشته باشد که این راهکارها و ابزارهای جدید را مورد مطالعه قرار دهد و پس از احراز مشروعیت آن را به سیستم بانکی ارائه دهد.

به طور نمونه حساب سپرده طلا که بانک صادرات به عنوان راهکاری جدید راه‌اندازی کرده، ابتدا دقت لازم برای تطبیق این روش با شریعت صورت نگرفته بود، در نتیجه اجرای آن مدتی دچار مشکل شد. شورای فقهی پس از اطلاع از این مشکلات، آن را با مدیریت بانک صادرات مطرح کرد و پس از مطالعه و بررسی در شورا، راهکارهایی برای اصلاح این مشکلات ارائه شد که خوشبختانه به نتیجه رسید. اگر بنا بود شورای فقهی وجود نداشته باشد، این رویه بدون اینکه نظارتی صورت بگیرد، استمرار پیدا می‌کرد و شاید پس از سال‌ها متوجه غلطبودن آن می‌شدند، چون ظاهراً این روش نیازمند قانون‌گذاری جدید هم نبوده و بر اساس قوانین قبلی عمل شده بود. در مجموع به دلیل این ابزارهای جدید، نیازمند شورای فقهی هستیم که به موقع، اقدامات و اصلاحات لازم را انجام دهد و از به‌کارگیری هر گونه روش و راهکار غلط جلوگیری کند.

اعضای شورا را چه کسانی تشکیل می‌دهند؟ ملاک انتخاب آنها چه بوده است؟

این شورا از افرادی تشکیل می‌شود که علاوه بر آشنایی با مسائل بانکی، در زمینه مباحث فقهی هم صاحب‌نظر هستند. البته برخی از بُعد فقهی ممتازترند و برخی از بُعد آشنایی با مسائل پول و بانک از قوت بیشتری برخوردارند. در واقع شورای فقهی متشکل از کارشناسان فقهی، بانکی و اقتصادی است. متخصصین فقهی این شورا، افرادی چون حجت‌الاسلام دکتر موسویان، حجت‌الاسلام تسخیری، حجت‌الاسلام کشاورز، نظریور، دکتر سیدعلی شاهرودی و دکتر سیدکاظم رجائی هستند که البته بنده هم با ایشان همکاری دارم. قائم‌مقام بانک مرکزی این جلسات را مدیریت می‌کند. برخی از معاونین بانک مرکزی، کارشناسان بانکی از طرف

برخی از بانک‌های کشور مثل بانک توسعه صادرات هم در این جلسات شرکت می‌کنند.

چه موضوعاتی در این شورا بررسی می‌شود؟

موضوعات از سوی بانک مرکزی مطرح می‌شود و اعضا به بررسی و مطالعه درباره آن می‌پردازند. البته در مواردی هم موضوعات توسط اعضا مطرح می‌شود. این موضوعات بیشتر جنبه کاربردی دارد مانند موضوع سپرده طلا که به آن اشاره شد.

مستند فقهی و حقوقی مشروعیت شورای فقهی که متولی تأیید قوانین و مقررات بانکداری است، چیست؟

در نظام بانکی و حقوقی کشور، شورای فقهی جایگاه قانونی ندارد، بلکه مدیریت بانک در حوزه حقوق و اختیارات خود، جمعی را برگزید تا از نظرات آنها برای اصلاح روش‌ها و رویه‌ها استفاده کند، این افراد کسانی هستند که از صلاحیت علمی لازم برخوردار هستند. البته بنده امیدوارم که بانک مرکزی در اصلاح قوانین خود، برای شورای فقهی یک جایگاه قانونی در نظر بگیرد، وجود شورای فقهی در همه بانک‌های مرکزی کشورهای اسلامی و در هر بانک اسلامی، ضرورت ایجاد این شورا را دوچندان می‌کند. در واقع کشور ایران با اینکه در اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا پیش‌تاز بود، اما شورای فقهی نداشت و تعامل با بانک‌های کشورهای اسلامی به تشکیل این شورا منجر شد، زیرا آنها مقید به اجرای شریعت در نظام بانکداری خود هستند و نبود شورای فقهی در نظام بانکی کشور، مانع از همکاری آنها با بانک‌های کشور ما می‌شد. این ضرورت، بانک مرکزی را وادار به ایجاد چنین شورایی کرد. در واقع بانک مرکزی در تعامل با بانک مرکزی سودان و بانک توسعه اسلامی، چنین خلأیی را احساس کرد و تصمیم به تشکیل چنین شورایی گرفت.

آیا عملکرد شورای فقهی در کشور ما با شورای فقهی سایر کشورهای اسلامی یکسان است؟ خیر، شورای فقهی در سایر کشورها از جایگاه حقوقی و قانونی برخوردار

است اما در کشور ما چنین جایگاهی برای شورای فقهی وجود ندارد، همچنین افرادی که در این شوراها حضور دارند، فقیه نیستند بلکه کارشناسان آشنا به مسائل مالی هستند که فقه هم می‌دانند. اما در ایران اعضای شورای فقهی از قدرت علمی بالایی برخوردارند. در دوره‌ای که کمیته فقهی بورس برگزار شد و طراحی‌های خود را به آموزش گذاشت، افرادی از بورس‌های کشورهای اسلامی شرکت کردند و این شرکت‌کنندگان اذعان داشتند که ما در متجاوز از بیست برنامه شرکت کردیم ولی هیچ‌یک قوت و عمق علمی را نداشته است. این مسئله نشان‌دهنده برتری جایگاه علمی و فقهی شورای فقهی کشور ماست.

شورای فقهی در تطبیق موضوعات بانکداری با موازین شرع، چه معیاری را در نظر گرفته است؟ در واقع کدام یک از معیارهای اجماع فقهی، نظر ائمه فقهی، اکتفا به نظر یک فقیه، نظر ولی فقیه و یا استنباط شخصی اعضای شورای فقهی مدنظر است؟

در این مسأله، مبنا منابع فقهی است. در تاریخ فقه ما، آثار بسیار گرانبغی از علما و اندیشمندان مسلمان به جا مانده است. این ذخیره‌های عظیم مبنای مراجعه اهل تحقیق از جمله اعضای شورای فقهی است. همچنین روایاتی که در دست ماست و جزء منابع اصلی اجتهادی ما تلقی می‌شود، منبع و مبنای استنباط‌های فقهی است. لکن به طور عمده دیدگاه فقهی معاصر مثل حضرت امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری و دیگر مراجع تقلید، مبنا قرار می‌گیرد و سعی می‌شود آنچه که مورد اتفاق آرا می‌باشد، مبنا قرار گیرد نه یک مبنای انفرادی و شاذ از این نظر کاملاً مستحکم عمل می‌شود و اگر موردی باشد که فقه نظر نداده باشند، سعی بر استفتا و به‌دست‌آوردن نظر آنها می‌شود. البته تاکنون اکثر مواردی که در شورا بررسی شده، مبانی و احکام آن تعیین شده بود. در رابطه با موارد استثنای مثل اوراق آتی که در کمیته بورس رخ داد، هم استنباط فقهی اعضا به نتیجه رسید و هم استفتای

مهم‌ترین مشکل این

است که سیستم

بانکی در بسیاری

موارد بدون توجه به

نظرات شورای فقهی

عمل می‌کند. گویا

این دو، خطوطی

موازی‌اند که ممکن

است به زودی به هم

نرسند. باید به گونه‌ای

عمل شود که رونه

جاری اصلاح شود،

یعنی پیشنهاد این

اصلاحات در شورای

فقهی انجام گیرد و

بلافاصله در جریان

عمل قرار گیرد

فقها مثبت بود.

در مجموع روش مطلوب این‌گونه است که یک دیدگاه فقهی مورد مطالعه، بحث و بررسی توسط اعضا قرار می‌گیرد و سپس برای تأیید شرعی آن به اطلاع فقها می‌رسد.

در برخی موارد شاهد موضع‌گیری مراجع معظم تقلید درباره موضوعات بانکی هستیم؛ موضوعاتی نظیر جریمه دیرکرد و کارمزد که بعضاً به شکل قانون نیز در آمده و مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته است. آیا شورای فقهی در مورد این مسائل باید به دنبال راهکاری باشد که مورد تأیید اکثریت مراجع باشد یا صرف تأیید شورای نگهبان کافی است؟ همچنین تکلیف مردم به عنوان مشتریان نظام بانکی و مقلدین مراجع در این بین چیست؟ این دو مورد یعنی جریمه دیرکرد و کارمزد در دستور کار شورای فقهی قرار نگرفته است. جریمه دیرکرد از جمله مواردی است که از امام (ره) استفتا شد و شورای نگهبان تأیید کرد و مجمع تشخیص مصلحت هم وارد عرصه شده و در مورد آن نظر داده است. بانک‌ها هم بر اساس قانون مصوب عمل می‌کنند اما اگر بنا باشد شورای فقهی وارد این مسأله شود، راهکاری ارائه می‌دهد که از شکل‌گیری تأخیر تأدیه پیشگیری کند. اعمال این راهکار در بازنگری قانون عملیات بانکداری بدون ربا، در حال پیگیری است. در واقع فرض بر این است که روش‌هایی به کار گرفته شود که به تأخیر پرداخت منجر نشود، مثل اعتبارسنجی مشتریان و بررسی سوابق آنها (رتبه‌بندی اعتباری). بنابراین به کسانی تسهیلات داده می‌شود که از رتبه اعتباری خوبی برخوردار باشند و اطمینان به بازگشت سرمایه و سود از جانب آنها وجود داشته باشد، علاوه بر این گرفتن ضمانت‌نامه و وثایق نیز امری ضروری است تا پشتوانه محکمی برای بازپرداخت باشد و قابلیت نقدشوندگی بالایی هم داشته باشد. البته گاهی تأخیر پرداخت ناشی از عملکرد نظام بانکی است. نگاه سیستم بانکی به سمت کسب سود است. مثلاً وقتی سررسید فرا می‌رسد و پروژه به اتمام نرسیده،

بانک بلافاصله در جهت مطالبه منافع خود اقدام می‌کند. این روش غلط است، زیرا بانک باید به دنبال حمایت از پروژه باشد تا به اتمام و بازدهی برسد (اگر فرض را بر مشارکت گرفته باشیم). در این فرض تأخیر در بازپرداخت معنا ندارد و اینکه بانک در مواردی که صاحب بنگاه و پروژه اقتصادی، کارش به اتمام نرسیده، به دنبال مطالبات خود باشد، کار بسیار ناصوابی است. در این موارد بانک باید به دنبال حمایت، اصلاح نظارت و پیگیری باشد تا پروژه به موقع انجام شود و اگر با تأخیر مواجه شد، این تأخیر را مبنای جرائم قرار ندهد. ما در میان بدهکاران نظام بانکی با افرادی مواجه هستیم که دچار عسرو حرج‌اند و از پرداخت اصل بدهی خویش ناتوان‌اند. نظام بانکی با الزام چنین افرادی به پرداخت جریمه، شرایط را برای آنها سخت‌تر می‌کند، زیرا این افراد تمکن مالی برای پرداخت اصل بدهی را ندارند، چطور از آنها جریمه مطالبه می‌شود؟ بنابراین باید در قانون بانکی تجدید نظر شود و آنجا که افراد دچار عسرو حرج‌اند، بدهی آنها متوقف شود، نه اینکه شاهد رشد بدهی آنها باشیم و جریمه بر جریمه افزوده شود. البته در مواردی که افراد قدرت بازپرداخت بدهی خود را دارند و نکول می‌کنند، باید جریمه شوند؛ جریمه هم نباید به گونه‌ای باشد که برای گیرندگان تسهیلات شیرین باشد بلکه باید گزنده و بازدارنده باشند.

بالا بودن نرخ جرائم بانکی، بعضاً با اعتراض برخی از مراجع مواجه شده و ایشان اذعان به ربوبی بودن آن کرده‌اند، این شبهه را چگونه پاسخ می‌دهید؟

برای دریافت جریمه از افرادی که با وجود تمکن مالی، نکول می‌کنند، مبنای فقهی مستحکمی وجود دارد. این افراد در فقه شیعه باید تعزیر شوند و تعزیر اعم است از مالی و غیرمالی، جریمه، همان تعزیر مالی است، حال در اینکه جریمه به نفع بانک دریافت شود یا به نفع نظام اسلامی، اختلاف است. اگر گفته شود جرائم به نفع نظام باشد، حرف صحیح و مقبولی است. در این روش، دیگر نظام بانکی از تأخیر پرداخت، سود نمی‌برد بلکه با مشکلات و

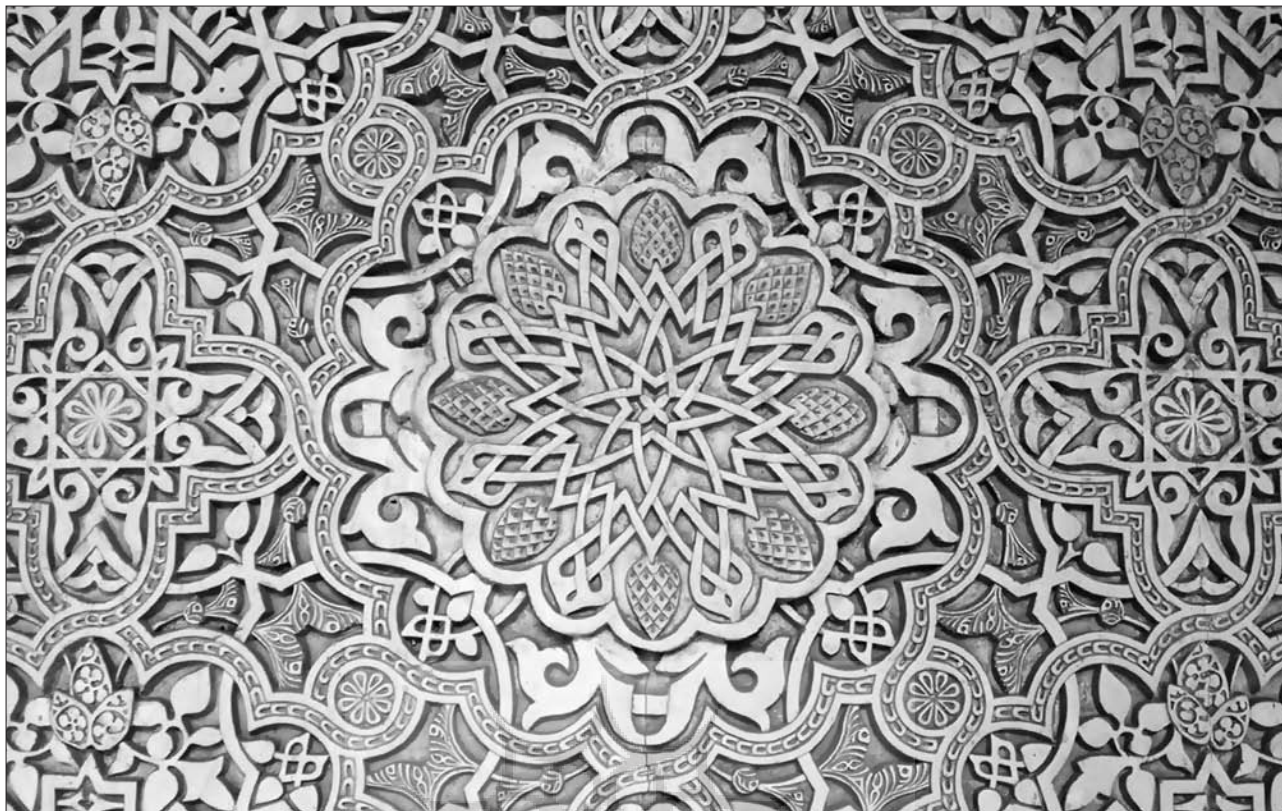
خساراتی مواجه می‌شود. برای حل این مشکل باید راه‌حل دیگری پیدا کرد. می‌توان صندوقی در بانک مرکزی تشکیل داد و جرائم را به حساب آن واریز کرد، سپس بدهی کسانی که معسرند از محل این صندوق پرداخت شود. در این حالت بانک از کانالی دیگر به منابع خودش دست پیدا می‌کند و مشکل معسرین هم حل می‌شود.

اما در رابطه با وظیفه مقلدین مراجعی که اعتراض کرده‌اند، باید گفت که هر مقلدی باید به فتوای مرجع خودش عمل کند و مصوبات شورای نگهبان در رابطه با وجه التزام، جایگاه نظام را مشخص می‌کند، بدین نحو که دریافت جریمه بر اساس وجه التزام در نظام جمهوری اسلامی، مشروع است، لذا مقلدین مراجع معظمی هم که حکم بر حرمت جریمه دیرکرد داده‌اند، به دنبال روش‌های تأمین مالی باشند که بحث وجه التزام در آنها مطرح نباشد.

مهم‌ترین مشکلات و چالش‌هایی که شورای فقهی بانک مرکزی و شورای فقهی بورس با آن مواجهند، کدام است؟ راه‌حل پیشنهادی کدام است؟

مهم‌ترین مشکل این است که سیستم بانکی در بسیاری موارد بدون توجه به نظرات شورای فقهی عمل می‌کند. گویا این دو، خطوطی موازی‌اند که ممکن است به زودی به هم نرسند. باید به گونه‌ای عمل شود که رویه جاری اصلاح شود، یعنی پیشنهاد این اصلاحات در شورای فقهی انجام گیرد. البته برخی از مشکلات سیستم بانکی به شورای فقهی ارتباطی ندارد و ناشی از عدم نظارت سیستم بانکی است، یعنی ممکن است از نظر قانون‌گذاری مشکلی وجود داشته باشد ولی در مقام عملکرد، بر خلاف قانون عمل شود. مثلاً الان برای نرخ سود عقود مشارکتی حداقل و حداکثری تعیین کرده‌اند یا نرخ سود عقود مبادله‌ای حداکثر ۱۲ درصد اعلام شد. اما برخی از بانک‌ها در این زمینه خلاف می‌کنند و مشتریانی را که قدرت بازپرداخت ندارند نیز جریمه می‌کنند. این مشکل، از عملکرد است نه از قوانین و مقررات.

امیدوارم که بانک مرکزی در اصلاح قوانین خود، برای شورای فقهی یک جایگاه قانونی در نظر بگیرد، وجود شورای فقهی در همه بانک‌های مرکزی کشورهای اسلامی و در هر بانک اسلامی، ضرورت ایجاد این شورا را دوچندان می‌کند



بررسی شود؟ محل پرداختن به مباحث مبنایی، شورای فقهی است یا باید مرجع دیگری را متولی پرداختن به این مباحث دانست؟

شورای فقهی، محل پرداختن به مباحث مبنایی نیست و می‌توان پرداختن به این مباحث را بر عهده مراکز پژوهشی مثل پژوهشکده پولی و بانکی و همچنین حوزه علمیه قم گذاشت، تا با تشکیل گروه‌های علمی، این مهم را محقق کنند.

وضعیت نظارت شرعی بر بانکداری بدون ربا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا چنین نظارتی در جهت تطبیق قوانین و فعالیت نظام بانکی با شریعت لازم است؟ چه نهادی باید متولی این نظارت باشد؟

چنین نظارتی لازم است و جای آن در نظام بانکی کشور ما خالی است. وظیفه این نظارت با شورای فقهی است، لکن باید گروه‌های نظارتی به عنوان بازوی شورای فقهی عمل کنند. بدین نحو که گزارش‌های تحقیقاتی خود را برای شورا ارسال کنند تا با قوانین شرع مطابقت داده شود. ●

باید یک شورای فقهی وجود داشته باشد که این راهکارها و ابزارهای جدید را مورد مطالعه قرار دهد و پس از احراز مشروعیت آن را به سیستم بانکی ارائه دهد

بانکداری در جهت تحقق کامل بانکداری اسلامی هست؟
تشکیل این شورا، یک قدم در جهت اجرای دقیق‌تر بانکداری بدون ربا است. ولی اگر بخواهیم اصلاحات بانکی را با نظارت بیشتر پیش ببریم، باید در هر بانک یک کمیته فقهی تشکیل بدهیم؛ این کمیته‌ها باید زیر نظر شورای فقهی کار کنند. در واقع در راستای نظارت بر رویه‌ها و عملکردها، بررسی پرونده‌های تسهیلات، چگونگی اجرا و عمل و جلوگیری از تخلفات، نیازمند بسط چنین کمیته‌هایی در بانک‌ها هستیم. در این کمیته‌های فرعی باید افرادی حضور داشته باشند که آگاهی دقیق از مباحث فقهی، روش‌های بانکداری، مصوبات شورای فقهی و قوانینی که مجلس تصویب و شورای نگهبان تأیید کرده، داشته باشند. همچنین این افراد باید از صلاحیت‌های لازم برای نظارت و عدالت برخوردار باشند تا در مقابل تخلفات چشم‌پوشی نکنند.

با توجه به اینکه این شورا موضوعات کاربردی را بررسی می‌کند، آیا ضروری نیست که برخی از موضوعات مبنایی هم

لذا بانک مرکزی باید بخش نظارتی خود را تقویت کند و به‌طور مرتب به بانک‌ها و مؤسسات مالی - اعتباری نظارت کرده و از افزایش بی‌رویه نرخ سود تسهیلات جلوگیری کند. رشد قارچ‌گونه شعب بانک‌ها و مؤسسات مالی - اعتباری ناشی از منابعی است که با تخلف از قانون بدان می‌رسند. بنابراین بخش نظارت بانک مرکزی باید با دقت و قوت بیشتری وارد عمل شود بدین صورت که به عنوان مشتری به سراغ بانک‌ها و مؤسسات برود و یا بازرسی بفرستد تا جلوی عملکرد غیرقانونی آنها را بگیرد.

مهم‌ترین مصوبات شورای فقهی بانک مرکزی که نقش بسزایی در عملیات بانکداری کشور داشته، کدام است؟

علاوه بر مسأله آتی‌ها (Future) و اوراق اختیار معامله (Option) که در شورای فقهی بورس بحث شد و به نتیجه هم رسید، اوراق مرابحه، تنزیل بدهی، سپرده‌های طلا و عقد استصناع از موارد مهمی است که در شورای فقهی بانک مرکزی به تصویب رسیده است.

آیا این شورا پاسخگوی نظام